

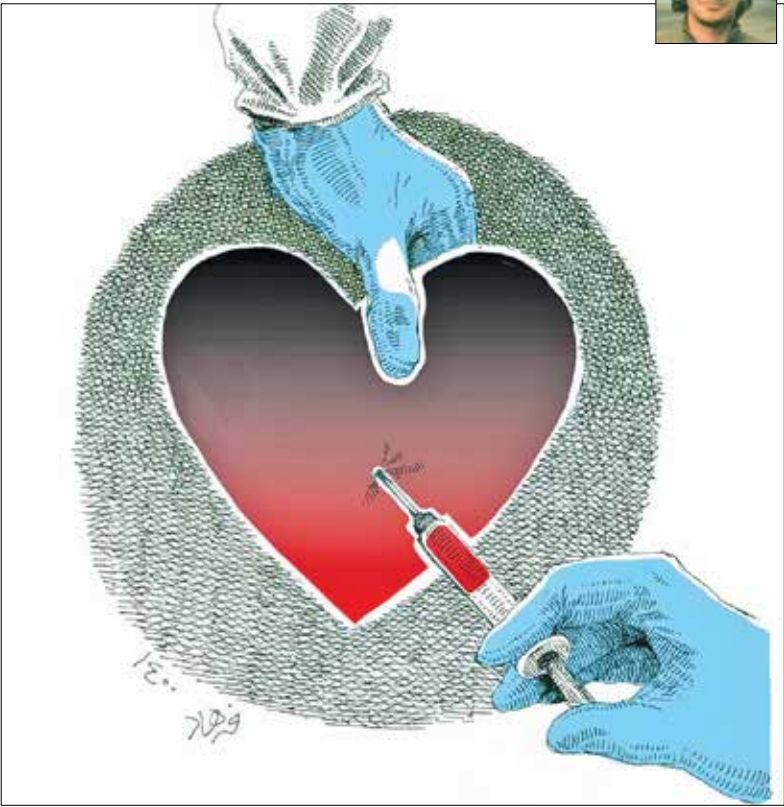
امام علی(ع):

مؤمن هرگاه بنگرد، پند گیرد.

سخن روز

نگاره

فرهاد آرام راد



**طی دیروز و امروز هم هنرمندان در فضای مجازی با انتشار پست‌هایی نسبت به مسائل مختلف واکنش نشان داده و گاه خبر و گاه ابراز نظرهایی در موضوعات مختلف داشتند. فرشته حسینی بازنگر که به صربستان رفته سری به کمپ پناهندگان آنجا زده و چند جمله‌ای نوشته است. محمد بحرانی هم در پستی نوشت: خانم علوی که به‌عنوان عروسک گردان جناب‌خان مطرح شده، هرگز عروسک گردان این عروسک نبوده است.**

هنرمندان در فضای مجازی

**رضاصادقی** خواننده سرشناس کشورمان، ترانه‌ای به زبان عربی خوانده و آن را آغاز تجربه ورود به بازار موسیقی عرب لقب داده است. او نوشته: «با چند گویش جهان عرب بخونم همیشه برای خودم جذاب بوده، خصوصاً خلیجی و مصری... بالاخره با پیشنهاد دوستان این تصمیم رو گرفتم که وارد این مارکت بشم و البته بزودی با هنرمندان بزرگ موسیقی دنیای عرب هم همکاری خواهم داشت ... نمی‌دونم چی می‌شه اما با انرژی مثبت شما حتماً خبر می‌شه. قطعه «خلاص» با ترانه‌ای از من و موسیقی مهدی ابراهیم‌نژاد بزودی از یوتیوب و...» **نیکی کریمی** بازیگر و کارگردان ایرانی هم به انضمام عکسی در اینستاگرامش نوشته: «هر جقدر زمان می‌گذرد بیشتر متوجه می‌شوم که ادبیات و فیلم تأثیرگذار برای من راجع به چیزهایی که می‌دانم نیست بلکه راجع به چیزهایی است که نمی‌دانم.

■ تازه‌های نشر

نشراق در اینستاگرامش خبر از انتشار کتاب منگی را داده به نویسنده‌گی ژویل اگلوب و ترجمه اصغر نوری. در توضیح کوتاهی درباره این کتاب نوشته شده: مترجم: «منگی داستان مردی است که با مادر بزرگش زندگی می‌کند و گویا که درواقع با او هم‌خانه است. او در یک کشتارگاه کار می‌کند و هر روز با دوچرخه مسیری که تمایزش را با مسیر رفت و آمد اشباح از دست داده، طی می‌کند؛ مسیری پر از اشباح مردگان، پر از بوی بد که شمال و جنوب و شرق و غرب می‌وزند، مسیری پر از زباله و سگ‌های خطرناک گرسنه. زندگی زای و تمام اطرافیانش پر از فقر و نداری و تن‌دادن به کارهایی تنها برای گذران زندگی است، که البته نام زندگی را هم نمی‌توان بر آن گذاشت»



### می‌دانند چه کسی را از دست دادیم؟

**حسین زندیفار:** باید مثل فرهاد کوه‌کن بود و آقای «تومانیان دیگران تومان میان» به راستی چنین شخصیتی داشت، حتی وقتی بازنشسته شد دستگاه‌هایی در منزل داشت و در آنجا کار می‌کرد ولی از زمانی که سینما دیجیتال شد و شرایط تغییر کرد دیگر کار ایشان ادامه پیدا نکرد. آقای تومانیان یک آدم استثنایی در حوزه لایراتوار سینما بود و بسیاری از کارگردان‌ها مثل ابراهیم حائنی کیا و علیرضا رئیسیان می‌دانند که او چه کرده است. من بعد از شنیدن خبر فوت ایشان با همراهی چند دوست دیگر پیگیری کردیم که حداقل در تلویزیون برایش یک زیرنویس زده شود ولی متأسفانه نمی‌دانند چه کسی را با چه جایگاهی از دست دادیم.

از صحبت‌های این تدوینگر شناخته شده با ایستا، در پی درگذشت «دیگران تومانیان»

سخنی با مدیران فرهنگ و هنر

## فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی که نیاز به توجه دارند

که در جنوب ایران به چشم می‌خورد یا در غرب، در شرق یا در شمال ایران حیرت‌انگیز است. درواقع در هر نقطه ایران که سفر کنید رپرتوهای بسیار دلنواز و زیبایی مختص آن نقطه در جریان است. رپرتوارها و آیین‌هایی که در طول قرن‌ها و بعضاً دهه‌های گذشته تولید یا پردازش شده و می‌توان گفت همچنان به تبار و اصالت گذشتگان و ریشه‌ها نزدیک هستند. مانند موسیقی بسیار زیبا و معنادار اهل حق در کرمانشاه، قادری‌ها در کردستان، چشتی‌ها در شرق بلوچستان، نقشبندی‌ها در مرزهای شرق و جنوب خراسان، کرمانچه‌ها و ترک‌ها در شمال خراسان، ترکمن‌ها در مرزهای شمال شرق گلستان، آشپق‌ها در شمال غرب ایران یا موسیقی‌های زیبای کار در گیلان و مازندران یا موسیقی‌های آیین‌های درمانی و تسخیرزدایی در حاشیه شمال خلیج فارس و همچنین موسیقی عربی کاملاً ایرانی در خوزستان خصوصاً با رپرتوار طور علوانیه یا حتی موسیقی کردها و لک‌ها در ایلام. همچنین موسیقی ایلی مانند قره‌پایاغ در ارومیه، شاهسون در مرکزی، قشقایی در فارس یا موسیقی دوره‌گردی و خرده‌فرهنگ‌هایی مانند لوطی و نوشمال و گدار و غیره.

با نگاه به این فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها خواهید دید، بخشی از این گونه‌های متمایز و متنکر و متنوع فرهنگی در خارج مرزهای کنونی ایران در جریان است که مختص اقوام ایرانی ساکن ایران بزرگ بوده است و حال دوباره شده و نیم یا کمتر و بیشترش در کشوری دیگر در جریان است. کم توجهی به این فرهنگ‌ها می‌تواند در آینده به از دست رفتن آنها یا خاموشی و مرگ آنها بینجامد. اگر به مرور زمان نسبت به وجوه مختلف این آداب و آیین هنر زیبای اقوام ایران کم توجهی شود چراغ روشن این فرهنگ کم‌نورتر و کم‌فروغ‌تر خواهد شد و نتیجه آن چیزی



است که در آینده نه چندان دور شاهد آن خواهیم بود یعنی کشورهای همسایه مدعی این آداب و هنر اقوام ما می‌شوند و البته ملزومات چنین ادعاهایی هم فراهم شده و بآینده‌های مختلف در پوستکمی بینیم براحتی این احتمال که مدعیان تازه پیدا شوند، بالاتر هم می‌رود. این موضوع ما را به آیندگان بدهکار خواهد کرد. کم‌کاری و ضعف و سستی در توجه به فرهنگ ساده‌ترین راه برای رسیدن به خودباختگی و بی‌هویتی و انحطاط ملیت و تمدن و استقلال ملی است. هشدار من به مدیران آینده حوزه فرهنگ و هنر این است که غفلت ما و شما می‌تواند بهای سنگینی برای فرهنگ و آینده کشورمان به بار آورد. بهایی جبران‌ناپذیر.

### دود ارث درختان نیست

مروری بر دفتر شعر «حواسم حلزونی می‌شود» / نرگس میریه / نشر هشت



سرشار از واژه‌هایی هم چون «سرباز»، «پوئین»، «چریک»، «امرگ»، «جنازه»، «شیخیخون»، «دشمن»، «خون»، «ثرال»، «شمشیر»، «تیر» و... است. شخصیت‌های شکل گرفته در بازآفرینی جنگ و مصایب آن بنا به آدرس‌هایی که از رفتار و گفتار آنها صادر می‌شود، بی‌هیچ تردیدی از ضمیر آگاه شاعر متولد شده‌اند که شبیه خود او و هم‌عصران او در روزگار جنگ بوده‌اند. «حواسم حلزونی می‌شود» به همت نشر هشت منتشر شده است که با شعار «جهان، به قرائت تازه‌ای نیاز دارد» اقدام به انتشار دفتری از نسل امروز شعر کرده که با استقبال و اقبال مخاطبان شعر مواجه شده است.

عکس نوشت

پس از دوائر گرافیکی متناسب با حال و هوای روزهای کرونایی و پویش ملی «من ماسک می‌زنم»، اهالی تئاتر شهر و فعالان حوزه تئاتر بار دیگر از مدافعان سلامت قدردانی کردند. در تازه‌ترین بلبورد تبلیغاتی تالار اصلی تئاتر شهر که با طراحی بهمن وخشور انجام گرفته، نشان گرافیکی مجموعه تئاتر شهر با طراحی ابراهیم حقیقی، تصاویری از سه مدافع سلامت کشور با عکاسی مرتضی جابریان و عکس ساختمان مجموعه با عکاسی بهمن وخشور پیش روی مخاطبان قرار گرفته است. در بخش تایوگرافی این اثر آمده است: «مدافعان عزیز سلامت، فرشنگان این روزهای سخت، اهالی تئاتر تمام قد به احترام شما می‌ایستند. کرونا هم تمام شود ما شما را فراموش نمی‌کنیم.» صفحه اینستاگرام این مجموعه گزارش تصویری از این بلبورد منتشر کرده است.



امکان نزدیکی بی‌واسطه با حقیقت وجود ندارد. همواره احساسات مافاصله میان ما و حقیقت را برمی‌کنند.

جنگ چهره زنانه ندارد سوتلانا آلكساندرونا الكسيويچ

منابع نهضت عاشورا-۱۲۲

### بلاذری، پیرو شیوه ابن سعد در تاریخ‌نگاری

از جمله مقاتل برجای مانده از قرون گذشته مقتلی است تألیف ابوجعفر احمدبن یحیی بلاذری (م ۲۷۹ق) که در قرن سوم هجری نگاشته شده است.

بلاذری، مورخ، ادیب و نسب‌شناس عصر مأمون تا مستعین عباسی، مؤلف دو کتاب مشهور «أنساب الاشراف» و «فتوح البلدان» است. أنساب الاشراف، به نسب و شرح حال خاندان بزرگ و برجسته عرب قریشی پرداخته و بخشی از آن به خاندان ابوطالب و فرزندان، از جمله علی(ع) و امام حسین(ع) و مقتل آن حضرت(ع) اختصاص دارد. بخش مربوط به خاندان ابوطالب از این کتاب با تحقیق محقق برجسته، محمدباقر محمودی در سال ۱۳۹۷ ق به صورت مجزا و مستقل در بیروت چاپ شده است.

بلاذری روایت خود از واقعه کربلا را با گزارش‌هایی از تماس شیعیان با امام حسین(ع) پس از صلح امام حسن(ع) آغاز کرده است. روش تاریخ‌نگاری بلاذری در این کتاب همانند یعقوبی و دینوری، ترکیبی است. بدین جهت به جای آنکه برای هر خبر، سند مستقل ذکر کند، در بیشتر موارد، تنها با تعبیر «قالوا» خبر را آورده و در مواردی هم که به سند اشاعر کرده لفظ «حدثنی بعض قریش» را به کار برده است.

در هر حال أنساب الاشراف به عنوان یکی از منابع تاریخ عاشورا با گزارش‌های ابن‌سعد، به‌رغم برخی از تفاوت‌ها، همسو و سازگار است و این دو مکتب، در مجموع، مؤید یکدیگرند.

در ارتباط با این روش تاریخ‌نگاری، یعنی دور شدن از سند و تهیه گزارش منسجم از یک واقعه تاریخی، باید گفت در واقع، بلاذری و ابن سعد با استفاده از این روش در پی کارآمد کردن نقل‌های تاریخی در یک گزارش خبری منسجم بودند، اما این روش به دلیل دور شدن از رخی حقایق تاریخی از سندیّت آن کاسته می‌شود. کما اینکه با روش تاریخ‌نگاری بلاذری و دون‌سلف قبل از او از اعتبارسندی روایات کاسته شده و گزارش‌های طولانی و یکجا و یکدست از رویدادها به دست داده باشد. بلاذری با این روش حتی رویدادهای اصلی واقعه عاشورا را بدون سند ارائه می‌کند. هدف بلاذری از این کار، تمرکز روی سلسله رویدادها به شکل به‌هم پیوسته بوده و گویی نمی‌خواهد با ارائه سند تک تک روایت‌ها، این تسلسل بر هم بریزد.

بلاذری، گزارش‌های خود از واقعه عاشورا را از متون دو نسل قبل از خود گرد آورده و درمجموع ۸۹ گزارش را روایت کرده است. وی روایتی درباره موضع امام حسین (ع) نسبت به صلح برادرش با معاویه را آورده و ضمن آن مدعی شده است که امام حسین از صلح با معاویه ناخرسند بوده است و سند آن را «قالوا» (گفته می‌شود) ذکر کرده است. حال آن‌که بزرگان شیعه به نحوی مستند آن را رد می‌کنند. همچنین بلاذری در نقل روایتی از تاریخ عاشورا آن را با جمله«حدثنی بعض قریش» مستند کرده است. حال آنکه به احتمال زیاد از یکی از منابع قدیمی نقل شده و با توجه به فاصله دوران حیات بلاذری – قرن سوم هجری- غیر ممکن است شخص بلاذری این خبر را از بعضی افراد قریش شنیده و نقل کرده باشد. زیرا زمان وقوع حادثه مربوط به دوپست سال پیش از زمان نگارش آن است و نمی‌توان گفت او از بعض قریش مطلبی را نقل کرده است.

